

گفت و گو با رضا یزدانی از خوانندگی تا بازی در نقش «مهرداد مستوفی»

مردم مهر داد جتلمن را دوست داشتند

رضا یزدانی، خواننده سبک راک که پیش از اینکه مسعود کیمیایی پیشنهاد بازی در فیلم سینمایی «حکم» را به او بدهد تنها در همین عرصه هنرنمایی کرده بود، در قلاب تلویزیون هم ظاهر شد و به عنوان بازیگر در سریال «از یاد رفته» عهده‌دار یکی از نقش‌های اصلی بود. عده‌ای بازی او را پسندیده و عده‌ای دیگر او را نقد کرده‌اند اما این نقدها از علاقه او به بازیگری کم نکرده و در واکنش به این انتقادهای می‌گوید:

■ **اعظم صفایی**

نمی‌خورم و از مصرف سوسیس و کالباس و نوشابه دوری می‌کنم.
بیماری خاصی ندارید که شما را مجبور کند از مصرف بعضی مواد غذایی دوری کنید؟
نه، خدا را شکر مشکل خاصی ندارم.
در مواجهه با استرس‌های شغلی و محیطی چه می‌کنید؟
در مملکت ما استرس با همه افراد همراه است، خصوصاً در ۲ سال اخیر امانی می‌کنم با موسیقی و تماشای فیلم‌های خوب، ورزش، خواندن مطالب و کتاب‌های خوب و سفر کردن با این استرس‌ها مقابله کنم.
موسیقی قطعاً یک راه سالم برای پناه بردن به آرامش از شر استرس‌های محیطی است، از فعالیت‌های اخیرتان در عرصه موسیقی بگویید.
آلبومی آماده کار دارم اما به این دلیل که فرصت کافی برای انتشار آن نداشتم، تاکنون آن را منتشر نکرده‌ام. احتمالاً در ماه تابستان موفق به این کار می‌شوم.
برای برپایی کنسرت برنامه خاصی ندارید؟
بعد از ماه مبارک رمضان کنسرت‌هایی در تهران، شهرستان‌ها و همین‌طور خارج از کشور برگزار خواهیم کرد.
از استقبال مردم رضایت دارید؟
قطعاً استقبال‌ها خوب بوده که بعد از ۲۰ سال همچنان تصمیم به برگزاری کنسرت می‌گیریم، سبک راک سبک خوبی است که طرفداران خاص خود را دارد و عده زیادی از جوان‌ترها هم به دنبال این سبک رفته‌اند و موفق هستند و طرفداران خود را دارند. ■

**با ورزش بوکس آشنا نیستیم و قبل از اینکه بازی من در این سریال شروع شود، «احسان روزبهبانی» لطف کرد و چند جلسه با من کار کرد و تکنیک‌ها را یادم داد اما در زندگی شخصی خودم هر روز ۱/۵-۱ ساعت ورزش می‌کنم، مگر اینکه روزی بیمار باشم یا سر صحنه فیلمبرداری باشم که فرصت ورزش کردن نداشته باشم.
نحوه غذا خوردن شما چگونه است؟ آیا از رژیم غذایی خاصی پیروی می‌کنید؟
من سعی می‌کنم از این نظر از خودم مراقبت کنم تا در وزن مناسبی باقی بمانم، برای جلوگیری از ابتلا به بیماری «کبد چرب» و برخورداری از وزن ایده‌آل سعی می‌کنم رژیم غذایی سالمی داشته باشم اما نه به این معنی که رژیم غذایی خاصی داشته باشم. معمولاً غذای فست‌فود**

می‌توان گفت از هیچ نظری مثل هم نیستند؛ اینکه به موضوع عشق سه‌ضلعی پرداخته شده سوژه اغلب سریال‌های تلویزیون و فیلم‌های سینمایی است.
در این سریال نقش یک بوکسور را بازی کرده‌اید، چقدر با این رشته ورزشی آشنا هستید و ورزش چه جایگاهی در زندگی شخصی شما دارد؟
با ورزش بوکس آشنا نیستم و قبل از اینکه بازی من در این سریال شروع شود، «احسان روزبهبانی» لطف کرد و چند جلسه با من کار کرد و تکنیک‌ها را یادم داد اما در زندگی شخصی خودم هر روز

۲ تا ۳ درصد، به گونه‌ای که وقتی من در رابطه با سریال پستی می‌گذاشتم که حدود ۴ هزار تا ۵ هزار کامنت داشت، حدود ۲۰ تا ۳۰ کامنت انتقادی داشتم و بقیه همه کامنت‌های مثبتی بودند. به هر حال هر کاری که ارائه می‌شود یک سری منتقد دارد و این موضوع اجتناب‌ناپذیر است.
عده‌ای می‌گویند سریال «از یادها رفته» نسخه مشابهی از سریال «شهرزاد» است در واقع سعی کرده تقلیدی از این سریال باشید، آیا واقعا این‌طور است؟
نه، اصلاً ربطی به هم ندارند و از نظر داستان و شخصیت‌پردازی به هم شبیه نیستند. در واقع

آدم خیلی از من دور نبود و به راحتی توانستم پیدایش کنم.
از بازتاب‌های نقش‌تان در فضای مجازی اطلاع دارید؟ واکنش مردم چگونه است؟
مردم نظرات مثبتی دارند و ارتباط خوبی با نقش من برقرار کرده‌اند. در واقع «مهرداد مستوفی» آدمی جتلمن است که کار می‌مادر و عاشق پیشه است، به همین دلیل مردم هم دوستش دارند.
اما عده‌ای به‌بازی شما انتقاد کرده‌اند، پاسخ شما به این انتقادهای چیست؟
تعداد این انتقادهای خیلی کم بوده و تقریباً حدود

چطور شد که برای بازی در نقش «مهرداد مستوفی» انتخاب شدید؟
بازیگری برای من بعد از فیلم سینمایی «تیک‌آف» جدی شد؛ بعد از بازی در این فیلم، نظرات خوبی از طرف کارگردان‌ها و هنرپیشه‌های زیادی گرفتم و کارم مورد پسند آنها واقع شد، به طوری که همه معتقد بودند بازی خوبی در «تیک‌آف» داشته‌ام و به خوبی از پس نقش برآمده‌ام. کارگردانانی مثل «فریدون جیرانی»، «رخشان بنی‌اعتماد»، «مصطفی کیایی»، «فرهاد اصلانی» و خیلی‌های دیگر نظرات مثبتی در مورد بازی من داشتند و این موضوع باعث شد جدی‌تر به بازیگری فکر کنم. در همین حین وقتی «بهرام بهرامیان» پیشنهاد بازی در این سریال را به من داد با وجودی که تا به حال سریال کار نکرده بودم، پذیرفتم و اصلاً فکر نمی‌کردم بازی در سریال تا این حد سخت باشد. برای بازی در فیلم سینمایی معمولاً باید ۲۳ تا ۴۰ روز حداکثر زمان بگذاری اما بازی در یک سریال ۱/۵ سال طول می‌کشد و این کار سختی است اما داستان جذاب و نقشم، نقش خوبی بود بنابراین از این بابت مطمئن بودم که مردم آن را می‌پسندند و همین‌طور هم شد؛ خوشبختانه مردم ارتباط خوبی با آن برقرار کردند و خیلی دوستش داشتند. به همین دلایل من این نقش را قبول کردم و از همه مهم‌تر به «بهرام بهرامیان» اعتقاد داشتم و می‌دانستم کارگردان کاربلدی است و کار خود را به نحو احسن انجام می‌دهد.
پیش از این در فیلم‌هایی که بازی داشته‌اید نقش خودتان ظاهر شده بودید، اینکه نقش متفاوتی را بازی کردید برای شما دشوار نبود؟
این کار سختی‌های خاص خود را داشت اما این



می‌توان گفت از هیچ نظری مثل هم نیستند؛ اینکه به موضوع عشق سه‌ضلعی پرداخته شده سوژه اغلب سریال‌های تلویزیون و فیلم‌های سینمایی است.
در این سریال نقش یک بوکسور را بازی کرده‌اید، چقدر با این رشته ورزشی آشنا هستید و ورزش چه جایگاهی در زندگی شخصی شما دارد؟
با ورزش بوکس آشنا نیستم و قبل از اینکه بازی من در این سریال شروع شود، «احسان روزبهبانی» لطف کرد و چند جلسه با من کار کرد و تکنیک‌ها را یادم داد اما در زندگی شخصی خودم هر روز

۲ تا ۳ درصد، به گونه‌ای که وقتی من در رابطه با سریال پستی می‌گذاشتم که حدود ۴ هزار تا ۵ هزار کامنت داشت، حدود ۲۰ تا ۳۰ کامنت انتقادی داشتم و بقیه همه کامنت‌های مثبتی بودند. به هر حال هر کاری که ارائه می‌شود یک سری منتقد دارد و این موضوع اجتناب‌ناپذیر است.
عده‌ای می‌گویند سریال «از یادها رفته» نسخه مشابهی از سریال «شهرزاد» است در واقع سعی کرده تقلیدی از این سریال باشید، آیا واقعا این‌طور است؟
نه، اصلاً ربطی به هم ندارند و از نظر داستان و شخصیت‌پردازی به هم شبیه نیستند. در واقع

آدم خیلی از من دور نبود و به راحتی توانستم پیدایش کنم.
از بازتاب‌های نقش‌تان در فضای مجازی اطلاع دارید؟ واکنش مردم چگونه است؟
مردم نظرات مثبتی دارند و ارتباط خوبی با نقش من برقرار کرده‌اند. در واقع «مهرداد مستوفی» آدمی جتلمن است که کار می‌مادر و عاشق پیشه است، به همین دلیل مردم هم دوستش دارند.
اما عده‌ای به‌بازی شما انتقاد کرده‌اند، پاسخ شما به این انتقادهای چیست؟
تعداد این انتقادهای خیلی کم بوده و تقریباً حدود

چطور شد که برای بازی در نقش «مهرداد مستوفی» انتخاب شدید؟
بازیگری برای من بعد از فیلم سینمایی «تیک‌آف» جدی شد؛ بعد از بازی در این فیلم، نظرات خوبی از طرف کارگردان‌ها و هنرپیشه‌های زیادی گرفتم و کارم مورد پسند آنها واقع شد، به طوری که همه معتقد بودند بازی خوبی در «تیک‌آف» داشته‌ام و به خوبی از پس نقش برآمده‌ام. کارگردانانی مثل «فریدون جیرانی»، «رخشان بنی‌اعتماد»، «مصطفی کیایی»، «فرهاد اصلانی» و خیلی‌های دیگر نظرات مثبتی در مورد بازی من داشتند و این موضوع باعث شد جدی‌تر به بازیگری فکر کنم. در همین حین وقتی «بهرام بهرامیان» پیشنهاد بازی در این سریال را به من داد با وجودی که تا به حال سریال کار نکرده بودم، پذیرفتم و اصلاً فکر نمی‌کردم بازی در سریال تا این حد سخت باشد. برای بازی در فیلم سینمایی معمولاً باید ۲۳ تا ۴۰ روز حداکثر زمان بگذاری اما بازی در یک سریال ۱/۵ سال طول می‌کشد و این کار سختی است اما داستان جذاب و نقشم، نقش خوبی بود بنابراین از این بابت مطمئن بودم که مردم آن را می‌پسندند و همین‌طور هم شد؛ خوشبختانه مردم ارتباط خوبی با آن برقرار کردند و خیلی دوستش داشتند. به همین دلایل من این نقش را قبول کردم و از همه مهم‌تر به «بهرام بهرامیان» اعتقاد داشتم و می‌دانستم کارگردان کاربلدی است و کار خود را به نحو احسن انجام می‌دهد.
پیش از این در فیلم‌هایی که بازی داشته‌اید نقش خودتان ظاهر شده بودید، اینکه نقش متفاوتی را بازی کردید برای شما دشوار نبود؟
این کار سختی‌های خاص خود را داشت اما این

چطور شد که برای بازی در نقش «مهرداد مستوفی» انتخاب شدید؟
بازیگری برای من بعد از فیلم سینمایی «تیک‌آف» جدی شد؛ بعد از بازی در این فیلم، نظرات خوبی از طرف کارگردان‌ها و هنرپیشه‌های زیادی گرفتم و کارم مورد پسند آنها واقع شد، به طوری که همه معتقد بودند بازی خوبی در «تیک‌آف» داشته‌ام و به خوبی از پس نقش برآمده‌ام. کارگردانانی مثل «فریدون جیرانی»، «رخشان بنی‌اعتماد»، «مصطفی کیایی»، «فرهاد اصلانی» و خیلی‌های دیگر نظرات مثبتی در مورد بازی من داشتند و این موضوع باعث شد جدی‌تر به بازیگری فکر کنم. در همین حین وقتی «بهرام بهرامیان» پیشنهاد بازی در این سریال را به من داد با وجودی که تا به حال سریال کار نکرده بودم، پذیرفتم و اصلاً فکر نمی‌کردم بازی در سریال تا این حد سخت باشد. برای بازی در فیلم سینمایی معمولاً باید ۲۳ تا ۴۰ روز حداکثر زمان بگذاری اما بازی در یک سریال ۱/۵ سال طول می‌کشد و این کار سختی است اما داستان جذاب و نقشم، نقش خوبی بود بنابراین از این بابت مطمئن بودم که مردم آن را می‌پسندند و همین‌طور هم شد؛ خوشبختانه مردم ارتباط خوبی با آن برقرار کردند و خیلی دوستش داشتند. به همین دلایل من این نقش را قبول کردم و از همه مهم‌تر به «بهرام بهرامیان» اعتقاد داشتم و می‌دانستم کارگردان کاربلدی است و کار خود را به نحو احسن انجام می‌دهد.
پیش از این در فیلم‌هایی که بازی داشته‌اید نقش خودتان ظاهر شده بودید، اینکه نقش متفاوتی را بازی کردید برای شما دشوار نبود؟
این کار سختی‌های خاص خود را داشت اما این

اختیاریه و جای خالی ماه عسل

برنامه «اختیاریه» یکی از پرطرفدارترین برنامه‌های رسانه ملی که از اواخر بهمن ماه ۹۷ پخش آن شروع شده، در ایام مبارک ماه رمضان با استقبال بیشتری از جانب مخاطبان سیما مواجه شد. به طوری که پربیننده‌ترین برنامه افطار ماه رمضان شده؛ خصوصاً اسامال که جای برنامه پرطرفدار «ماه عسل» در قلاب تلویزیون خالی بود، عده‌ای این برنامه را جایگزینی برای «ماه عسل» می‌دانستند هر چند از نظر کارگردان و عوامل تولید «اختیاریه» مقایسه این دو برنامه با یکدیگر کار درستی نیست چرا که در اصل این برنامه هدف متفاوتی را دنبال می‌کند.
هدف دست‌اندرکاران «اختیاریه» از تولید این برنامه چیست؟ و چه پاسخی به انتقادهای پیرامون آن دارند؟
چه تفاوتی بین «اختیاریه» و «ماه عسل» وجود دارد و ساخت برنامه‌های این چنینی چه کمکی به کاهش معضلات اجتماعی و حفظ سلامت اجتماعی می‌کند؟
با مصطفی امامی کارگردان و سردبیر برنامه «اختیاریه» گفت‌وگو کرده‌ام تا پاسخ این سوالات را از ایشان بگیریم.

در پакت قرار داده و به دست مهمان برنامه می‌دهیم. اگر مایل به پاسخگویی باشد آن را بلند می‌خواند و پاسخ می‌دهد، اگر نه در پاکت را می‌بندد و از پاسخ به آن می‌گذرد؛ این برنامه قصد ندارد مهمان برنامه را داخل رینگ ببرد و جنجال راه بیندازد، بلکه موضوعی کاملاً اختیاری و در حد گفت‌وگویی تعاملی است که هر دو طرف، گوینده و شنونده حرف‌های یکدیگر هستند.
نحوه دعوت از مهمانان چگونه است؟ آیا براساس موضوعی خاص دعوت می‌شوند؟
برنامه ما موضوع محور نیست، در واقع موضوع ما همان آدمی است که به برنامه دعوت می‌شود، اختیاریه در ماه رمضان قصه زندگی مهمانان را بازگو می‌کند یا به دنبال نقاط عطف زندگی مهمانان خود است.
قصه محور بودن برنامه شاید باعث شده عده‌ای گمان کنند، «اختیاریه» جایگزینی برای «ماه عسل» است. آیا در واقع این‌گونه است؟
باعث افتخار ماست که با برنامه موفق مثل ماه عسل مقایسه می‌شویم اما این دو برنامه شباهتی به هم ندارند. قبل از ماه عسل هم برنامه‌های اینچنینی وجود داشت؛ مانند این است که بگوییم فلان سریال ساخته شد پس شخص دیگری نباید مانند آن را بسازد؛ همه فیلم‌های سینمایی و سریال‌ها راوی قصه‌ها هستند و نمی‌توان گفت به این دلیل که در فلان سال شخصی فلان قصه را روایت کرد دیگر کسی نباید آن را بسازد و اگر ساخت به او برچسب تقلید کردن زد. ضمن اینکه قبل از برنامه «ماه عسل» هم برنامه‌ای به اسم «کوله‌پشتی» وجود داشته که آن هم قصه آدم‌های معمولی را روایت می‌کرد و حتی قبل‌تر از آن در برنامه «جشن رمضان» کاظم احمدزاده قصه‌های مردم را روایت می‌کرد و همین موضوع باعث استقبال مردم از آن برنامه شد. از طرفی به این دلیل که «احسان علیخانی» کار خود را خوب بلد بود و توانست ۱۰ سال به خوبی برنامه‌سازی کند و مردم با این برنامه خاطره دارند، این سوء برداشت می‌شود که ما قصد تقلید از برنامه او را داریم، در حالی که این حضور آدم‌های معمولی و روایت قصه‌های آنها یک ژانر در برنامه‌سازی است که در تمام دنیا از جمله تلویزیون ما قبل از «ماه عسل» هم وجود داشته است.

از طرفی، اگر برای برنامه تلویزیونی فرم و محتوا قائل باشید، متوجه می‌شوید فرم این برنامه اصلاً شبیه ماه عسل نیست و در محتوا هم اگر در مواردی شبیه باشد، تعمداً در کار نبوده است. به این دلیل که اسامال برنامه «ماه عسل» تولید نشده، در واقع هر حرکتی از ما سر بزند با «ماه عسل» مقایسه می‌شود و این موضوع برای ما چندان عجیب نیست.
همیشه انتقاد امری اجتناب‌ناپذیر بوده و در مورد برخی از قسمت‌های این برنامه انتقادهایی وجود دارد. به طور مثال قسمتی که از دختر بچه‌ای دعوت شد تا در مورد تقلب‌هایی که در مدرسه می‌کند، صحبت کند. برخی به این موضوع انتقاد کردند که به چه دلیل با این کار این دختر را ضایع کرده و تقیب این مساله را شکسته‌اید؟ پاسخ شما به این انتقاد چیست؟
برنامه یک ساعته را باید از دیدن یک کل ساعت قضاوت کرد، هر برنامه یک ابتدا دارد و یک پایان‌بندی و به نظر باید قدری با صبوری و دقت بیشتر برنامه را دنبال کنید؛ این برنامه در رابطه با موضوع صداقت بود و این کودک با رضایت پدر و مادر به برنامه آمد و بعد از برنامه هم والدین او از ما تشکر کردند، این دختر بچه بدون آنکه دروغ بگوید با ما حرف زد و ما هم رفته‌رفته برنامه را جلو بردیم و ببیند و کودک را به این نتیجه رساندیم که تقلب کار درستی نیست، موضوعی که خیلی از ما حتی تا دانشگاه مرتکب آن شده‌ام اما کسی به ما نگفت که این کار عمل بدی است؛ در این برنامه هم از خانم کلهر دعوت شده بود که با تقلب می‌توانست به فینال جام جهانی برود و به تمام آرزوهای خود برسد اما ترجیح داد حقیقت را بگوید و این کار را نکند. این نتیجه‌گیری برنامه ما بود که از نقطه اول شروع شد و به این نتیجه رسید که در آخر این کودک متوجه شد «تقلب کار بدی است» این موضوع درام است، حتی در سریال‌های تلویزیونی و فیلم‌ها با آن مواجه هستیم؛ اصولاً برنامه‌های تاثیرگذار است که از ابتدا هدف را فریاد زنند و رفته‌رفته در لایه‌ای به مخاطب ارائه شد.
یکی از موضوعاتی که نه‌تنها در برنامه شما، بلکه در اغلب برنامه‌های اینچنینی به نوعی به

آن پرداخته می‌شود بیان مشکلات و مسائل مهمانانی است که به برنامه دعوت می‌شوند، در حالی که این موارد تنها نمونه‌ای از صدها مورد مشابه خود هستند. چه هدفی از این کار وجود دارد؟ آیا کمکی به کاهش مشکلات کلی در جامعه می‌کند؟ به‌طور نمونه کودک معلولی را همراه پدر و مادرش دعوت کرده‌اید، در حالی که امثال او بسیارند.
در این برنامه به‌طور خاص نگاه ما این نبود که مشکل بچه را حل کنیم، به این دلیل که امثال او زیاد هستند. ما در این برنامه نگاهی به مادر این کودک داشتیم که معتقد بود به این دلیل که کودکش مشکل دارد باید او را از چشم مردم دور نگه دارد تا مردم او را نبینند، این نوعی فرهنگ‌سازی است و ما قصد داشتیم بگوییم خیلی از افراد هستند که فرزند معلول دارند پس اگر کسی کودک معلول دارد باید باز هم به فرزندش ببالد و ویژگی‌های مثبت او را هم ببیند؛ ما به دنبال این موضوع بودیم و قصد حل کردن این ماجرا را نداشتم. البته اگر حل شود که چه بهتر اما پیام ما چیز دیگری بوده است. قطعاً باید هوشمندانه‌تر به برنامه‌ها نگاه کنیم و هدف اصلی برنامه را دریابیم.
عده‌ای می‌گویند بهتر نیست در این برنامه‌ها به جای دعوت از مردم از مسوولان دعوت کنید، پاسخ شما چیست؟
رسالت این برنامه این است راوی و شنونده قصه



آدم‌های کوچ و بازار باشد؛ مردمی که شاید هیچ وقت تصورش را هم نمی‌کردند خودشان را روزی روی صندلی اختیاریه ببینند اما قصه‌های جذاب زندگی‌شان پر از لحظات ناب و شیندنی است که می‌تواند روی مخاطبان برنامه اثر زیادی بگذارد، ما روایتگر قصه در برنامه هستیم و زمینه این برنامه در ماه رمضان روایت قصه بود، قصه آدم‌ها را می‌شنویم و قرار است از این قصه‌ها درس بگیریم. تمام تلاش ما این است و مصلح اجتماعی نیستیم که مشکل آدم‌ها را حل کنیم؛ ما از دل قصه‌ها پیام‌هایی به مخاطب می‌رسانیم و معتقدیم خیلی نباید پیام‌ها را فریاد زد چرا که خود مخاطب پیامی را که می‌خواهد برداشت می‌کند.
باز تاب برنامه در فضای مجازی و از دید مخاطبان چطور بوده است؟
ما توقع این حجم از دیده شدن را در ماه رمضان نداشتم ولی به شکر خدا به گواه تعداد بیننده‌هایی که در تلیبیون برنامه را دیده‌اند که تعداد بیننده‌های سریال‌های ماه رمضان را هم از همین تعداد مخاطبان تلیبیون می‌سنجند، پربیننده‌ترین برنامه تلویزیون بودیم و باعث افتخار ماست و این موضوع نشان می‌دهد مردم برنامه ما را دنبال می‌کنند و «اختیاریه» برنامه مهمی است که چه بخواهیم و چه نخواهیم جای خود را بین مخاطبان باز کرده است. ما هم از این بابت خوشحال هستیم. ■